

یادداشت

پیوند خسارت‌بار



اسلام ذوالقدریور

کارشناس مسائل بین‌الملل

سیاست‌گذاری عمومی دارای دو بعد داخلی و خارجی است که سیاست داخلی و سیاست خارجی را شکل می‌دهد و اداره امور عمومی یک کشور را بر اساس اهداف، نیات و آرمان‌های سیاست‌گذاران و شهروندان امکان‌پذیر می‌کند. سیاست‌گذاری داخلی و سیاست‌گذاری خارجی که دارای ارتباط و تعامل فراگیر با یکدیگر هستند، اثرپذیری فراگیر از همدیگر دارند. در مسائل و فرآیندهای گوناگون دارای ماهیت پیوندی به هم هستند و نمایشی از یک سیاست‌گذاری پیوندی دارند. سیاست‌گذاری پیوندی که مؤلفه‌های داخلی را به سیاست‌گذاری خارجی پیوند می‌زند یا مؤلفه‌های خارجی را به سیاست‌گذاری داخلی پیوند می‌زند، نوع خاصی از تعامل و پیامدهای سیاست‌گذاری است که جلوه‌ای از پیوند گیاهان به یکدیگر را نمایش می‌دهد که گاه این پیوند سیاست‌گذاری‌ها بیش از حد عجیب نشان می‌دهند. سیاست‌گذاری پیوندی که دارای زمینه (ساقه اصلی و ریشه‌دار) و پیوندک (قلعه، شاخه‌ای که پیوند داده می‌شود) بسیار متفاوت و متضاد هستند، مانند اینکه بخواهند انگور را به هلو پیوند بزنند! سیاست‌گذاری پیوندی تلاش دارد تا یک سیاست را با یک یا چند سیاست دیگر پیوند زند، اصلاح و تقویت کند. سیاست داخلی را می‌توان با برخی سیاست‌های خارجی پیوند زد و برعکس. روند اصلی این است که سیاست‌گذاری خارجی با پیوندهایی از سیاست‌های داخلی مورد حمایت و تقویت قرار گیرد. سیاست‌گذاری داخلی مطلوب و موفق می‌تواند بر سیاست‌گذاری خارجی اثر گذاری مطلوبی داشته باشد و در قالب مشروعیت نظام، بر اقتدار و پرستیژ سیاست خارجی بیفزاید. سیاست‌گذاری خارجی نیز قادر است به سیاست‌گذاری داخلی پیوند خورد و سپهر سیاسی یک کشور را با سیاست‌های خارجی به کنترل نظام درآورد. سیاست‌گذاری عمومی ایران همواره با روندی از سیاست‌گذاری پیوندی همراه بوده است. پیوند مسائل داخلی به سیاست‌گذاری خارجی با عوامل جهانی به سیاست‌گذاری داخلی برای تحریک افکار عمومی و مدیریت ریسک حکمرانی از جمله رویکردهای سیاست‌گذاران ارشد ایرانی بوده است. سیاست‌گذاری خارجی ایران طی چند دهه اخیر با برخی مسائل و تحولات داخلی پیوند خورده و مسائل داخلی ایران به شکل پیوندک‌هایی خاص به بدنه و درخت سیاست‌گذاری خارجی پیوند زده شده‌اند. مذاکرات احیای برجام و گفت و گوهای پنهانی و غیر مستقیم ایران و ایالات متحده آمریکا طی چند سال اخیر پذیرای پیوندهایی از سیاست‌های داخلی ایران و آمریکا بوده که مؤلفه‌های سیاست‌گذاری پیوندی را نمایان ساخته است. یکی از این سیاست‌های داخلی که همواره به سیاست‌گذاری خارجی به‌ویژه مذاکرات ایران و ایالات متحده پیوند زده شده و سیاست‌گذاری پیوندی زینباری برای ایران به همراه داشته است را می‌توان انتخابات در این دو کشور دانست. سیاست‌گذاری پیوندی ایران و آمریکا با مؤلفه پیوند انتخابات به مذاکرات ایران و ایالات متحده را در محورهای زیر مورد پیوند بررسی قرار داد. نخست؛ پیوند همه مسائل ایران و آمریکا به برجام؛ همه مسائل میان ایران و ایالات متحده آمریکا طی چند سال اخیر به برجام و چارچوب‌های تعاملی آن پیوند خورده است. وضعیت خاص برجام به عنوان الگویی رهیافتی است که همه رویکردهای ایران و آمریکا را در درون خود پذیرفته و پذیرای پیوند آنان است. برجام الگویی باز از سیاست‌گذاری تعاملی است که دولت‌مردان ایران و ایالات متحده برای توجیه و تعریف سیاست‌های خود، عمل سیاست خارجی خود را به آن پیوند می‌زنند و سیاست‌گذاری خود را پیوندی از برجام می‌دانند. مسائل و تنش‌های ایران و غرب به‌ویژه آمریکا برای حل شدن و کاهش ریسک‌شان به برجام پیوند زده می‌شوند. مسائلی مانند زندانیان دو تابعیتی در ایران، مسدودسازی منابع ارزی ایران، جنگ یمن، جنگ سوریه، اعتراضات و آشوب‌های داخلی ایران و... که بر روابط دو کشور به‌خصوص فرایند احیای برجام اثر گذارند. دوم؛ پیوند احیای برجام به انتخابات؛ یکی از رویکردهای سیاست‌گذاری در ایران را می‌توان پیوند همه امور و رویدادها به انتخابات برشمرد که به راهبرد سیاست‌گذاری عمومی ایران بدل شده است. در این الگو، انتخابات مانند یک پایه یا تنه درختی است که همه امور کشور به آن پیوند زده می‌شوند! با توجه به برگزاری انتخابات‌های مکرر و دو سالانه در ایران (هر دو سال یک بار انتخابات‌های مختلف برگزار می‌شود)، انتخابات مانند درختی است که سیاست‌گذاران و شهروندان همواره با تمام توان به سوی آن هجوم می‌آورند و برای تضمین بقای خود یا نمایش قدرت خود به آن متوسل می‌شوند و زیر سایه آن آرامش می‌گیرند. انتخابات در فرآیند سیاست‌گذاری خارجی ایران از اهمیت فراوانی برخوردار بوده است. انتخابات مانند آینه‌ای است که تحولات و سیاست‌های سیاست‌گذاری خارجی ایران برای چند سال آینده را نمایان می‌سازد. در چند سال اخیر نیز برجام و مذاکرات احیای برجام به انتخابات پیوند زده شده و سبب شده تا این پیوندک (مذاکرات برجام)، دچار آسیب شود! سیاست‌گذاران ارشد ایران و ایالات متحده آمریکا شرایط کنونی که در آستانه انتخابات مجلس دوازدهم ایران و ریاست جمهوری آمریکا هستند، در مسیری دیگر تلاش دارند تا احیای برجام را به انتخابات‌های خود در دو کشور پیوند بزنند و از ریسک‌هایی که احیای برجام برای آنان در مقابل جریان‌های سیاسی تندرو دارد، اجتناب کنند. پیوند زدن انتخابات در ایران و آمریکا به برجام و مذاکرات احیای برجام در نهایت می‌تواند به کمای عمیق برجام (مرگ برجام تحلیل مناسبی نیست) منجر شود و منافع این توافق را کاهش دهد یا مسدود کند.

فرشاد مومنی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

معیشت مردم با واگرایی مواجه شده است

بازضع‌اندیشگی

در مدیریت اقتصاد مواجه هستیم

دوسوم ظرفیت‌های تولید کشور

بلااستفاده مانده است



با پدیده چندشغلی در بین افراد بالای ۶۵ سال مواجه هستیم

بسیاری از والدین نمی‌توانند به

خواست‌های فرزندان پاسخ

بدهند

آرمان ملی - احسان انصاری: «در معیشت مردم واگرایی‌هایی ایجاد شده است. جسته و گریخته می‌شنویم که مصرف سرانه گوشت یا لبنیات مردم نسبت به سال‌های پیش چه وضعیتی پیدا کرده است، اما اگر آن را در کلیت خود بررسی کنید، به این شکل که مثلاً ما کشور را به شیوه‌ای اداره می‌کنیم که در دوره هشت ساله ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد که قله در آمداری تاریخ اقتصادی ایران در آن رقم خورد، کسری بودجه خانوارهای ایرانی چهار و نیم برابر شد. این واگرایی شدید در معیشت مردم است و مردم ایران به دلیل اینکه می‌خواهند نجیبانه زندگی کنند، از برخی مصارف حیاتی خود صرف نظر کرده‌اند و از سوی دیگر با پدیده پرکاری و با چند شغلگی حتی در سنین بالای ۶۵ سال روبه‌رو هستیم.» جملات ذکر شده اظهارات دکتر فرشاد مومنی در گفت‌وگو با «آرمان ملی» است. مومنی در این گفت‌وگو به بررسی مهم‌ترین چالش‌های سیاست‌گذاری اقتصادی در شرایط کنونی کشور پرداخته که در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

اقتصاد ایران چندین سال است که در وضعیت رکود قرار گرفته و به نظر می‌رسد دولت تلاش می‌کند حداقل در کوتاه مدت تورم را مهار کند. با این وجود قیمت کالاهای اساسی به صورت نامحسوس در حال گران شدن است. آیا استراتژی اقتصادی دولت را برای وضعیت امروز اقتصاد کشور مناسب می‌دانید؟

بنیان همه گرفتاری‌ها، ضعف اندیشه‌ای است. اشاره به این ضعف اندیشه‌ای، جسارت یا اهانت به افراد نیست؛ بلکه ما همواره در طول تاریخ کشورمان، تک ستاره‌های بسیار بزرگ داشته‌ایم، اما آنچه که تغییر اعتلا بخش و توسعه‌ای را محقق می‌کند، ناظر بر یکپارچه‌سازی دانش‌های پراکنده و هویت جمعی بخشیدن به دانش‌های یکپارچه شده است. تا امروز هیچ ساز و کار نهادی برای این دو مساله حیاتی در حیطه اندیشه‌ای در ایران، مشاهده نمی‌شود. جزیره‌هایی وجود دارند که عرصه تخصصی خود چیزهای بسیاری می‌دانند اما در مسیر اعتلای جامعه از قدرت چانه‌زنی یا بسته برخورداری نیستند. هر جامعه توسعه‌خواهی باید اینان را در اندیشه‌ای شکل دهنده وضع موجود را شناسایی کند. این، محصول مطالعه عمیق نهادگرا در یک دوره ۱۰ هزار ساله از تاریخ مکتوب بشری است و بنابر چنین مطالعاتی معتقدند وضع موجود و همچنین بنیان‌های اندیشه‌ای شکل دهنده وضع مطلوب را شناسایی کنند، موفق می‌شوند. اگر بخواهد تاریخی ایران را بررسی کنید، خواهید دید شدت بیشتر ضعف در آگاهی نسبت به وضع مطلوب چگونه خود را نشان می‌دهد. مطالعاتی داریم که نشان می‌دهد ایرانی‌ها در مجموع با همه تفاوت‌ها در جهان بینی، قومیت، دین، آیین و فرهنگ بر سر آنچه که نمی‌خواهد، زودتر به تفاهم می‌رسند. آنها با نادیده گرفتن همه تفاوت‌ها، نظم نامطلوب موجود را کنار می‌گذارند اما بعد بر سر اینکه نظم جایگزین چیست، با یکدیگر دچار چالش می‌شوند. از جنبه روش شناختی در چارچوب دانش اقتصاد، ما با تقدم رتبه‌ای مسائل سطح توسعه، روبه‌رو هستیم، یعنی اگر مسائل سطح بنیادین را شناسایی امکان ندارد، بتوان به صورت پایدار مسائل سطح کلان را حل و فصل کرد و اگر قادر به حل و فصل مسائل سطح کلان نباشیم، نمی‌توانیم مسائل سطح خرد را حل کنیم.

در سیاست‌های اقتصادی امروز به چه میزان مسائل بنیادین در نظر گرفته شده است؟

در سطوح بنیادی، به گواه اسناد چهار سرشماری‌ای که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون انجام شده، در همه این سال‌ها، به طور متوسط، چیزی نزدیک به دوسوم افرادی که در سنین فعالیت بوده‌اند، نقشی در تولید ملی ندارند. سوء تخصیص منابع به این معناست، اینکه ما قادر به استفاده از این جمعیت نیستیم. این اسراف و اتلاف بزرگی است. به

هر جامعه توسعه‌خواهی باید

ابتدا بنیان‌های اندیشه‌ای شکل

دهنده وضع موجود را شناسایی

کند. این، محصول مطالعه عمیق

نهادگرا در یک دوره ۱۰ هزار ساله

از تاریخ مکتوب بشری است و

بنابر چنین مطالعاتی معتقدند

جوامعی که ابتدا توانسته‌اند

بنیان‌های اندیشه‌ای شکل

دهنده وضع موجود و همچنین

بنیان‌های اندیشه‌ای شکل دهنده

وضع مطلوب را شناسایی کنند،

موفق می‌شوند

اقتصادهای ملی را با شاخص رابطه مبادله می‌سنجند که نشان می‌دهد برای هر مقدار صادرات به طور متوسط چه میزان ارز دریافت می‌کنیم و برای واردات چه اندازه ارز پرداخت می‌شود. اگر این روند، نزولی شود، نشان دهنده روندی نزول در بنیه تولید ملی است. گزارش‌های رسمی منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران، که اعلام کرده ۸۹ درصد شاغلان سابق ایران، فقیرترند به معنای این است که ۹ درصد کل فقراي ایران، از شاغلان هستند. یعنی چون مناسباتی ایجاد شده که خلق ارزش از طریق بنیه تولیدی فناوریانه اتفاق نمی‌افتد، وقتی دولت نتواند معیشت مناسب برای جمعیت ایجاد کند صدها پیامد فسادآمیز دارد. برخی تصور می‌کنند سن از دواج با دستور و سخنرانی کردن و یا افزایش وام پایین می‌آید. وام می‌دهید اما شغل برایش ایجاد نمی‌کنید. ببینید این مساله، چگونه با همه وجوه حیات جمعی گره می‌خورد. می‌خواهید از شرمساری‌های والدین که نمی‌توانند ابتدایی‌ترین و کمترین خواسته بحق فرزندان‌شان را پاسخ دهند، چه پدیده‌ای حاصل شود.

این روند به معنای کاهش قدرت ارائه خدمات اجتماعی به مردم جامعه است؟

نتیجه این روند در بودجه عمومی که نشانه مسئولیت‌شناسی حکومت‌ها در امور حاکمیتی است و صرف آموزش، تغذیه، مسکن و حمایت از محرومان و زیرساخت‌های عمرانی کشور می‌شود، خود را نشان داده است. گزارش فصلی ۲۰۲۳ صندوق بین‌المللی پول که به فارسی نیز منتشر شده، می‌گوید نسلی تعهدات حاکمیتی در ایران به تولید ناخالص ملی، روند نزولی را تجربه می‌کند و در تمام دنیا در پایان ۲۰۲۲، تنها ۵ کشور هستند که از این نظر، وضع بدتری نسبت به ایران دارند. در ادبیات توسعه، به هزینه‌های حاکمیتی، هزینه‌های بستر ساز توسعه اطلاق می‌شود، که با افزایش ظرفیت‌ها، برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، انگیزه تولید کند. نزولی شدن این رقم، پیامدهای بسیار متعددی دارد. ایران جزء معدود کشورهای است که ۱۵ استان و بر اساس برخی تعارف بیش از ۱۵ استان مرزی دارد. وقتی تعهد خود را به سلامت، تغذیه، آموزش و دیگر نیازهای مرزنشینان اجرا نکنیم، نیروی گریز از مرکز ایجاد می‌شود. برنامه توسعه در چنین شرایطی می‌تواند کار کرد‌های استثنایی داشته باشد. در مناسبات رأتی و پرفساد، «حس ملی» ضربه‌های مهلک می‌خورد. اگر واقعا درکی از شرایط موجود کشور در حد نصاب ابتدایی هم ایجاد شده بود، مسئولان تاثیرگذار کشور باید بسیار آنها را که اجازه ندادند لوازم ابتدایی داشتن، سند با کیفیت فراهم شود، مواجهه می‌کردند. نمی‌خواهیم بگوییم نیت آنها بد بوده است، حداقل اینکه اهلیت حرفه‌ای یا بسته را از خود نشان ندادند و اگر هم داشتند، بروز ندادند. بحران‌ها در هر زمینه‌ای پرشمار شده‌اند، تعداد زمینه‌های بحران نیز پرشمار شده‌اند و تعامل و هم افزایی بحران‌ها نیز تشدید گشته‌اند. در چنین شرایطی، هیچ مساله‌ای را به صورت منفرد و جدای از سایر مسائل نمی‌شود حل کرد. دولت گرمی نیز باید وقوف عمیق پیدا کند که اگر رابطه‌اش را با مردم خوب نکند، حتی برنامه با کیفیت هم اجرا نمی‌شود. دولت باید رابطه‌اش را با مردم بهبود دهد. ضمن اینکه رابطه مردم با مردم نیز چندان مبتنی بر اعتماد نیست.

در معیشت مردم واگرایی‌هایی ایجاد شده است. جسته و گریخته می‌شنویم

که مصرف سرانه گوشت یا لبنیات مردم نسبت به سال‌های پیش چه وضعیتی

پیدا کرده است، اما اگر آن را در کلیت خود بررسی کنید، به این شکل که مثلاً ما

کشور را به شیوه‌ای اداره می‌کنیم که در دوره هشت ساله ریاست جمهوری

محمود احمدی نژاد، که قله در آمداری تاریخ اقتصادی ایران در آن رقم خورد،

کسری بودجه خانوارهای ایرانی چهار و نیم برابر شد. این واگرایی شدید در

معیشت مردم است و مردم ایران به دلیل اینکه می‌خواهند نجیبانه زندگی کنند،

از برخی مصارف حیاتی خود صرف نظر کرده‌اند و از سوی دیگر با پدیده

پرکاری و یا چند شغلگی حتی در سنین بالای ۶۵ سال روبه‌رو هستیم

نگره

محدودیت‌های نگاه به شرق

سیاست همسایگی که به عنوان تاکتیک دولت سیزدهم در ذیل راهبرد نگاه به شرق مطرح شد، این ایده از سوی دیپلمات‌های برجسته نزدیک به رئیس‌جمهور مطرح کرد که با انعقاد پیمان‌های دو جانبه با کشورهای شرقی که در صدر آن چین و روسیه و در مراحل بعدی کشورهای عربی قرار دارند، این ظرفیت برای ایران فراهم خواهد شد تا بتواند با وجود تحریم‌های هوشمند آمریکا و بدون نیاز به مذاکره برای رفع تحریم‌ها، جریان صادرات و واردات را گسترش داده و مسیر ورود ارز به کشور را تضمین کند. جدای از اینکه اقتصاددان‌های دولت در شعارهای خود به تلاش برای کاهش وابستگی بودجه به دلار آمریکا اذعان می‌کردند، اما فروش نفت و دریافت ارز حاصل از فروش آن، همواره از دستاوردهای مهم دولتی‌ها در ۲ سال اخیر بوده که انتقاد به آمارهای ارائه شده از سوی آنها را نیز به دنبال داشت. در مقابل، منتقدان رویکرد دولت به شرق، که بر ضرورت توازن سیاسی دیپلماسی ایران بین شرق و غرب تأکید می‌کردند، استدلال منتقدان رویکرد به شرق این بود که متاثر از هژمونی غرب در اقتصاد بین‌الملل و پیوستگی رویکردهای سیاسی و اقتصادی در نظام بین‌الملل، نمی‌توان بدون حل مسائل در سیاست خارجی و مشخصاً رفع تحریم‌ها، با هدف دور زدن تحریم‌ها، با کشورهای شرقی ارتباط تجاری برقرار کرد.

حضور هند در چابهار؛ کمک به مهار

یکی از مهم‌ترین این اقدامات، توسعه روابط ایران و هند بعد از دیدار ابراهیم رئیسی با دیدار «اجیت دال» مشاور امنیت ملی هند بود. در شرایطی که چین تلاش می‌کند برای اجتناب از سقوط بازارهای مالی، روابط خود را در خاورمیانه توسعه دهد، تقویت حضور رقیب چین یعنی هند که با آمریکا و اسرائیل هم پیمان است، در همکاری‌های اقتصادی جنوب شرق کشور به مهار چین منجر می‌شود. ابوالفضل ظهیروند کارشناس امور بین‌الملل در مورد توسعه بندر چابهار به کمک هندی‌ها معتقد است: «هو عامل، نفوذ آمریکا روی هند و تخصص با پاکستان از جمله دلایل تعلق هند برای کمک به رونق چابهار است.» از سوی دیگر تحلیلگران روابط بین‌الملل می‌گویند «هند نمی‌تواند یک رقیب پیشرو در منطقه یعنی چین را نادیده بگیرد. گزارش‌های هندی مدعی شده‌اند که چین واقعا طرفدار توسعه بندر چابهار نیست. چون چین در بندر گوادری پاکستان که بسیار نزدیک به چابهار است، سرمایه‌گذاری بسیاری داشته است.» فعالیت شرکت‌های هندی در چابهار به اسناد کمربند «سی‌پک» و مهار چین که هدف آمریکا است منجر می‌شود. «سی‌پک» قرار است بندر گوادری را به شمال پاکستان و غرب چین متصل کند و هم اکنون با سرمایه‌گذاری ۶۲ میلیارد دلاری چین در پاکستان در حال اجراست. موضوعی که به نظر می‌رسد شکایت ایران از پاکستان به دنبال یک دهه تعلق اسلام آباد در قبال قرارداد خط لوله انتقال گاز ایران به پاکستان معروف به خط لوله آی-بی، آن را تحت تاثیر قرار دهد. در همین حال، گفت‌وگوی نخست‌وزیران هند و اسرائیل در ژانویه ۲۰۱۸ که به امضای ۹ تفاهم‌نامه همکاری انجامید، حمایت از آن دارد که نمی‌توان سیاست همسایگی را صرفا به دلیل شرقی بودن ژئوپلیتیک کشوری و بدون ارزیابی منافع آنها با آمریکا، در دایره دوستان هم پیمان قرار داد.

مهار روسیه از سمت جنوب

در این ستارویه، ایران مسیر اصلی پیشنهادی روس‌ها برای اتصال به جنوب را که از طریق راه‌آهن اینچه برون گرمسار بوده و متوقف شده با تغییر سرمایه‌گذاری به راه‌آهن رشت-آستارا، مسدود خواهد کرد. خط آهن رشت-آستارا در شمال ایران حلقه مفقوده کریدوری است که طی مسافت ۱۶ هزار کیلومتری، حمل بار از طریق کانال سوئز را با یک مسیر ۷ هزار کیلومتری جایگزین کرده و به مقایسه با مسیرهای سنتی از نظر مسافت و زمان تا ۴۰ درصد کوتاه‌تر و از نظر هزینه تا ۲۰ درصد ارزان‌تر است. در صورت احداث این قطعه ریلی، می‌توان گفت که بندر بمبئی در هند تاهلسینکی فنلاند به طول ۱۳ هزار کیلومتر، با اتصال مستقیم ریلی و با عبور از خاک ایران به یکدیگر متصل خواهند شد. این محور بعدا به‌صورت بالقوه برای دور زدن روسیه کاربرد خواهد داشت. این در شرایطی است که ایران همزمان نقش یک همراه روسیه را ایفا می‌کند و هزینه‌های سیاسی بین‌المللی آن را پذیرفته است.

«تله سیاست همسایگی» کجاست؟

سیاست همسایگی که نگاه دولت سیزدهم را بدون توجه به مناسبات این کشورها با آمریکا و اروپا به سمت کشورهای شرقی و بدون توجه به پیوند این کشورها با کشورهای غربی مصرف کرده، احساس می‌شود این سیاست دولت سیزدهم را در برآیند نهایی، در جهت منافع غرب قرار داده است. در چنین شرایطی، دولت سیزدهم در سیاست آشکار که آرمانگرا است، در سبزه با آمریکا مانع هر مذاکره مستقیم است و هزینه‌های ناشی از تحریم را پذیرفته است. کشورهای شرقی از جمله چین، روسیه، پاکستان، عراق، کره جنوبی، عربستان و... بدون توجه به سیاست‌های آرمانگرایانه ایران صرفا در پروژه‌هایی با ایران همکاری می‌کنند که منافع آنها با غرب را تضمین کند. به عبارت دیگر، چین و روسیه در پروژه‌هایی که احتمال گروکشی آمریکا و اروپا در جریان منازعه با ایران در آن وجود دارد و ممکن است منافع آن‌ها را در صورت همکاری با ایران به مخاطره بیندازد، با ایران همکاری نمی‌کنند.